

چالش‌ها و موانع انعقاد معاهده منطقه‌ای خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای

مریم تبارکی^۱ - حمید رضا جمالی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۹

چکیده

گرایش ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای یکی از راهکارهای حرکت به سوی جهان عاری از سلاح‌های هسته‌ای است. این روند در خاورمیانه به دهه هفتاد میلادی برمی‌گردد و با وجود حمایت‌های ظاهری فراوان، پیشرفت‌های عملی به هیچ وجه امیدوارکننده نبوده است. این پیشنهاد برای اولین بار از سوی ایران مطرح و توسط مصر حمایت شد. کنفرانس بازنگری ان پی تی در سال ۱۹۹۵، علاوه بر تمدید نامحدود ان پی تی، منجر به تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و اعمال فشار بیشتر بر این طرح شده است. ایران، مصر، اسرائیل، آمریکا بازیگران اصلی و تعیین‌کننده سرنوشت این وضعیت طی این سال‌ها هستند. این پژوهش در پاسخ به این سؤال که «مهم‌ترین چالش و مانع ایجاد معاهده خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای چیست؟» به روش توصیفی تحلیلی ضمن معرفی معاهدات مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، به طور

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا maryam_tabaraki@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا hamidrezajamali@yahoo.com

خاص به ارزیابی ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه و چالش ها و موانع ایجاد چنین معاهده ای در خاورمیانه می پردازد و روشن خواهد ساخت که وجود سلاح های هسته ای اسرائیل، عدم عضویت این کشور در معاهده ی ان پی تی و در پیش گرفتن راهبرد بازدارندگی هسته ای و سیاست ابهام از سوی این رژیم، ایجاد چنین منطقه ای را با مانع جدی رو به رو کرده است.

واژگان کلیدی: خلع سلاح منطقه ای، خاورمیانه، معاهده، ایران، اسرائیل

مقدمه

از سال ۱۹۶۷ بیش از ۱۰۰ کشور با تصویب معاهدات منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای به مناطق عاری از سلاح های هسته ای پیوسته اند. اگر چه نابودی کلی سلاح های هسته ای در حال حاضر بسیار دشوار می نماید، اما به دلایل امنیتی - منطقه ای، ایجاد مناطق عاری از سلاح های هسته ای امری حیاتی است. هدف نهایی مناطق عاری از سلاح هسته ای، محو سلاح های هسته ای در یک حوزه ی جغرافیایی خاص است، علاوه بر این یک موضوع ضروری برای رفع خطر از درگیر شدن به یک جنگ هسته ای است. دولت هایی واقع در مناطق عاری از سلاح هسته ای، با تعهد به این که نه به تولید سلاح های هسته ای پردازند و نه میزبان سلاح های هسته ای دیگران باشند، امنیت منطقه را ارتقاء می بخشند.

در حال حاضر شش منطقه به عنوان مناطق عاری از سلاح هسته ای شناخته شده اند که عبارت اند از: (۱) قاره ی قطب جنوب (جنوبگان) طبق معاهده ۱۹۵۹ واشنگتن (۲) آمریکای لاتین طبق معاهده ۱۹۶۷ تلاتلولکو (۳) اقیانوس آرام جنوبی طبق معاهده ۱۹۸۵ راروتونگا (۴) آسیای جنوب شرقی طبق معاهده ۱۹۹۵ بانکوک (۵) آفریقا طبق معاهده ۱۹۹۶ پلین دابا (۶) منطقه آسیای مرکزی طبق

معاهده سیمپالائینسک سال ۲۰۰۶. به جز مناطق یاد شده، مناطق حساس و مهم دیگری وجود دارد که در حال حاضر فاقد نظام معاهده‌ای برای محو سلاح‌های هسته‌ای هستند و به نظر می‌رسد ضروری است که در این مناطق، معاهده منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای و از دیدگاه جامع‌تر معاهده منطقه‌ی عاری از سلاح کشتار جمعی تدوین شود و به اجرا دربیاید. از جمله‌ی این مناطق حساس، خاورمیانه است. تا جایی که به این منطقه حساس و مهم مربوط می‌شود وقوع جنگ‌های میان اعراب و اسرائیل، جنگ تحمیلی عراق برضد ایران ۱۹۸۸-۱۹۸۰، اولین جنگ موسوم به جنگ خلیج فارس (پس از اشغال کویت از سوی عراق ۱۹۹۱)، دومین جنگ خلیج فارس (حمله ایالات متحده و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳) همگی نشان از تنش‌زا بودن این منطقه دارد.

سأله‌است که کشور‌های خاورمیانه سیاست خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای را دنبال می‌کنند؛ اما از آنجا که اسرائیل در این منطقه استراتژیک دارای سلاح هسته‌ای می‌باشد، لذا اعمال نفوذ ایالات متحده‌ی آمریکا و برخی کشور‌های اروپایی طرفدار اسرائیل مانع تحقق این هدف در منطقه می‌گردد. تردیدی نیست که استقرار منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و نیز سلاح‌های کشتار جمعی یک نیاز اساسی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ صلح و امنیت پایدار در منطقه است. این پژوهش در پاسخ به این پرسش که «مهم‌ترین چالش و مانع در ایجاد معاهده منطقه‌ای خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای چیست؟» به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «در پیش گرفتن سیاست ابهام‌عمدی و بازدارندگی هسته‌ای یک‌جانبه در خصوص سلاح‌های هسته‌ای از سوی رژیم صهونیستی، مهم‌ترین چالش و مانع تحقق معاهده خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای است». هدف اصلی این مقاله این است

که ضمن معرفی نمونه های موفق معاهدات منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای، به طور خاص به ارزیابی ایده خاورمیانه عاری از سلاح های هسته ای و چالش ها و موانع عدم تحقق این معاهده در منطقه خاورمیانه بپردازد.

۱- کنوانسیون های راجع به مناطق عاری از سلاح هسته ای

۱-۱ معاهده جنوبگان

قطب جنوب منطقه ای غیرمسکونی و غیر نظامی است. از دسامبر سال ۱۹۵۹ در معاهده جنوبگان به عنوان یک منطقه عاری از سلاح هسته ای اعلام شده است. معاهده در بیست و سوم ژوئن سال ۱۹۶۱ لازم الاجراء شده، چهل و هشت عضو دارد که دوازده عضو آن اصلی و بیست و هشت عضو آن اعضای مشورتی هستند. بیست و یک عضو آن اعضای شورای غیر مشورتی یا وضعیت ناظر هستند. امین معاهده ایالات متحده آمریکا می باشد. این معاهده استفاده از هر گونه سلاح، انفجارهای هسته ای و بیرون ریختن پسماند های رادیو اکتیو را ممنوع می کند و به هر کدام از جناح ها این اجازه را می دهد تا به بازرسی تمامی تأسیسات زمینی و هوایی قطب جنوب بپردازد تا از اجرای تمامی مفاد معاهده اطمینان حاصل کنند (طلایی و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

۱-۲ معاهده تلاتلولکو

در سال ۱۹۶۷ معاهده منع استقرار سلاح های هسته ای در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، موسوم به معاهده تلاتلولکو، به عنوان اولین معاهده منطقه عاری از سلاح هسته ای برای امضاء در مکزیکوسیتی مفتوح گردید. این معاهده آمریکای لاتین و منطقه کارائیب را به عنوان منطقه عاری از سلاح هسته ای

شناخت. معاهده تلاتولکو حتی پیش از معاهده بین‌المللی راجع به منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «NPT» در سال ۱۹۶۸ پذیرفته شد. معاهده تلاتولکو در بیست و پنج آوریل سال ۱۹۶۹ لازم‌الاجراء شد (Redick, 1999: 2).

۱-۳ معاهده راروتونگا

در سال ۱۹۸۵ معاهده منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای اقیانوس آرام جنوبی، موسوم به معاهده راروتونگا، مبنی بر شناسایی اقیانوس آرام جنوبی به عنوان یک منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای، جهت امضاء در راروتونگا در جزایر کوک مفتوح گردید. در ماده (۶) این معاهده دولت‌های عضو از کلیه‌ی آزمایش‌های هسته‌ای حتی صلح‌آمیز منع شده‌اند. یعنی توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در خصوص منع انجام آزمایش‌های هسته‌ای. این معاهده توانست آزمایش‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را تحت پوشش قرار دهد. معاهده راروتونگا در یازده دسامبر ۱۹۸۶ لازم‌الاجراء شد. پیشنهاد ایجاد این منطقه از سوی کشور استرالیا مطرح شد (Hamel-Green, 1998:59).

۱-۴ معاهده بانکوک

در دسامبر سال ۱۹۸۵ معاهده منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای آسیای جنوب شرقی، موسوم به معاهده بانکوک، در بانکوک پایتخت تایلند مفتوح شد. این معاهده منطقه آسیای جنوب شرقی را از سلاح هسته‌ای عاری می‌سازد. معاهده بانکوک ریشه در اعلامیه ۱۹۷۱ کوآلامپور دارد، که در برگیرنده خواست دولت‌های آسیای جنوب شرقی «آسه‌آن» برای برقراری و حفظ صلح، آزادی و بی‌طرفی در آسیای جنوب شرقی بوده است. و در بیست و هفت مارس سال ۱۹۹۷ لازم‌الاجراء شد (Subede, 2008:3).

۱- ۵ معاهده پلین دابا

در سال ۱۹۹۶ معاهده منطقه عاری از سلاح هسته ای آفریقا، موسوم به معاهده پلین دابا، مبنی بر اعلام قاره آفریقا به عنوان یک منطقه عاری از سلاح هسته ای برای امضا در قاهره مفتوح گردید. این معاهده در پانزدهم ژوئیه سال ۲۰۰۹، با تسلیم بیست و هشتمین سند تصویب، لازم الاجرا شد (James Martin Center For Nonproliferation Studies, 2013:1).

۱- ۶ معاهده ی سیمپالائینسک

معاهده ی منطقه ای عاری از سلاح هسته ای آسیای مرکزی در هشت سپتامبر سال ۲۰۰۶ برای امضاء مفتوح شد و در بیست و یکم مارس ۲۰۰۹ لازم الاجراء گردید. تعداد امضاء کنندگان آن پنج کشور (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان) می باشند (James Martin Center for Nonproliferation Studies, 2013:1).

۲- ریشه های ایجاد منطقه ی عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه

ایران، در پی نگرانی هایی که در رابطه با توسل ارتش اسرائیل به سلاح های هسته ای برای مقابله با ارتش مصر در مخاصمه اکتبر سال ۱۹۷۳ ایجاد شده بود (Biad, 1974:720)، دست به ابتکار طرح ایده ایجاد منطقه ی عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه زد (UN.General Assembly.Resolution 9693 1974). این طرح مورد پذیرش مصر قرار گرفت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر آن تأکید کرد و به همین منظور قطعنامه ای را جهت حمایت از طرحی که هدف آن جلوگیری از رقابتی ویرانگر برای دستیابی به سلاح های هسته ای میان دولت های منطقه بود به تصویب رساند. برای تحقق این هدف، مجمع عمومی از دولت

هایی که در خاورمیانه هنوز به پیمان منع گسترش سلاح‌های نیپوسته بودند خواست که بی‌درنگ آن را مورد تصویب قرار دهند. از آن زمان این طرح به راه خود ادامه داده است و از حمایت روزافزونی نیز برخوردار گشته است. در پی توافقات صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۸۰، اسرائیل با عدم مخالفت با اجماعی که در هنگام تصمیم‌گیری در خصوص قطعنامه‌های سالانه مجمع عمومی در رابطه با این موضوع به وجود آمده بود، موافقت اصولی خود را نسبت به ایجاد چنین منطقه‌ای ابراز داشت. در سال ۱۹۹۰، در کنفرانس خلع سلاح، مصر پیشنهادی مبنی بر عاری ساختن این منطقه، هم از سلاح‌های هسته‌ای و هم از کلیه سلاح‌های کشتار جمعی ارائه داد (Disarmament Commission 1989-20 April 1990). شورای امنیت نیز، که در آن زمان انهدام سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک عراق را، به عنوان گامی در جهت ایجاد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه ارزیابی کرده بود، این طرح را مورد تأیید قرار داد. تسری رویه انهدام زرادخانه عراق به سایر دولت‌های خاورمیانه و از جمله اسرائیل، بدون تردید طرح بی‌سابقه‌ای بوده است که شورای امنیت برای پرهیز از اتهام جانب‌داری از اسرائیل، مصمم به آن شده بود. همین نگرانی، شورای امنیت را به این ارزیابی رساند که «حل مساله هسته‌ای ایران در پرتو تلاش‌های جهانی جهت منع گسترش و همچنین تحقق هدف خاورمیانه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی اثر گذار خواهد بود». این پیوند، که پیش از این در قطعنامه شورای حکام آژانس ایجاد گردیده بود، مورد اشاره‌ی شورای امنیت قرار گرفت. اهتمام آژانس به ایجاد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از قطعنامه‌ای که در رابطه با خاورمیانه در کنفرانس بازنگری آن پی‌تی در سال ۱۹۹۵ و با وفاق عام

به تصویب رسید، تفکیک ناپذیر است ، 1, (NPT/CONF.1995/32 Decision 1, (11 Mail 1995).

این قطعنامه به نفع ایجاد یک منطقه ی عاری از سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه اعلام موضع کرده است و دولت هایی را که در منطقه هنوز به این پیمان نپیوسته اند، به پیوستن بدون تأخیر به آن تشویق می کند. تصویب این قطعنامه مورد تأیید دولت های عرب، که خواهان پایان انباشت سلاح های هسته ای توسط اسرائیل و نگران معلق ماندن نامحدود ان پی تی بوده اند، قرار گرفت. با وجود اینکه این قطعنامه به طور صریح از اسرائیل نام نبرده است و امارات متحده عربی، عمان، جیبوتی را، که در آن زمان هنوز به ان پی تی نپیوسته بودند نیز مورد توجه قرار داده، اما مشخص است که دولت اصلی مورد نظر قطعنامه همان اسرائیل است. در واقع، گزارش کمیسیون سوم، که مبنای این قطعنامه بوده است، به صراحت از اسرائیل نام می برد.

در کنفرانس بازنگری ان پی تی در سال ۲۰۰۰ به این مساله دوباره پرداخته شد. این بار دولت های عرب موفق شدند تا در سند نهایی با اشاره ی صریح به اسرائیل، بر این نکته که این رژیم تنها دولت خاورمیانه است که به این پیمان نپیوسته، تاکید نمایند. با این حال، این موضوع باعث نشد تا دولت های غربی و در رأس آنها امریکا، به هنگام کنفرانس بازنگری پیمان در سال ۲۰۰۵، به رفتار جانبدارانه ی خود نسبت به اسرائیل ادامه ندهند. از همین رو در این کنفرانس هیچ تصمیمی در رابطه با ایجاد سازوکاری برای پیگیری قطعنامه سال ۱۹۹۵ در مورد خاورمیانه اتخاذ نگردید. پس از آن دولت های عرب که فکر می کردند در این مسئله فریب خورده اند، مصمم شدند تا در نشست آینده کنفرانس بازنگری پیمان در سال ۲۰۱۰، قاطعیت خود را بر این هدف نشان دهند. به باور این دولت

ها مسأله تمدید نامحدود پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موضوع ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای به یکدیگر مرتبط بوده و یک کلیت تفکیک‌ناپذیر را تشکیل می‌دهند. تعهد ناپذیری نسبت به ایجاد این منطقه در واقع چیزی جز بی‌اعتبار کردن تصمیماتی که در سال ۱۹۹۵ در مورد تمدید نامحدود پیمان اتخاذ شد، نخواهد بود. با وجود این، همان‌گونه که از کارهای مقدماتی کنفرانس سال ۲۰۱۰ نیز برمی‌آید، امیدواری‌هایی در رابطه با اجرای ساز و کاری جهت پی‌گیری قطعنامه مربوط توسط این کنفرانس وجود داشت؛ هر چند این امر به برگزاری کنفرانس دیگری در ماه دسامبر سال ۲۰۱۲ موکول گردید (ممتاز و رزاقی ساکت، ۱۳۸۹: ۳۲۸-۳۲۷).

در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۲ خبرگزاری آسوشیتدپرس از لغو کنفرانسی که قرار بود در زمینه ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه برگزار شود، خبر داد. آسوشیتدپرس به نقل از منابعی که نامشان را فاش نکرده، اعلام کرد: کنفرانسی که قرار بود در ماه دسامبر سال جاری میلادی در هلسینکی، پایتخت فنلاند، با هدف ایجاد منطقه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای برگزار شود، لغو شد. این خبرگزاری در مورد لغو کنفرانس مذکور گزارش داد: آمریکا که یکی از سازمان‌دهندگان اصلی این کنفرانس است، اعلام کرده که در حال حاضر و با توجه به شرایط پیچیده منطقه شرایط مناسبی برای برگزاری کنفرانس مذکور وجود ندارد. پیش‌تر در سال ۲۰۱۰ میلادی و در پی امضای معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، درخصوص برگزاری این نشست، ۱۸۹ کشور به توافق رسیده بودند. این در حالی است که بیشتر کشورهای اسلامی در خاورمیانه در کنفرانس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رژیم صهیونیستی را به داشتن سلاح‌های هسته‌ای متهم کردند و خلع سلاح این رژیم را خواستار شدند. «علاقه‌ی دولت‌های

خاورمیانه نسبت به انرژی هسته‌ای، و همراه با آن بالا رفتن خطرات اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای در این منطقه، ضرورت اتخاذ تصمیم در این زمینه را آشکار می‌سازد. موضع‌گیری‌های اخیر نشان می‌دهد که دولت‌ها نسبت به این موضوع به طور کامل آگاه هستند (باز نشر پورتال خبری ممتاز نیوز، ۱۳۹۱/۸/۱۱).

۳- تضمین‌های امنیتی برای دولت‌های خاورمیانه

شش معاهده‌ای که در رابطه با ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای منعقد شده‌اند بر پایه‌ی ماده (۷) معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شکل گرفته‌اند. این مقرره حق گروهی دولت‌ها را برای انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای به منظور اطمینان از امحای کامل چنین سلاح‌هایی در مناطق تحت حاکمیت‌شان، محفوظ داشته است. با وجود این، منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای از لحاظ موضوعی از مفهوم گسترده‌تری نسبت به منطقه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برخوردار است. در واقع بر خلاف پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌هایی که عضو چنین معاهداتی هستند، نمی‌توانند به دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای اجازه‌ی استقرار این سلاح‌ها را در قلمرو تحت حاکمیت‌شان بدهند، بدین وسیله این مناطق تحت وضعیتی قرار می‌گیرند که خصیصه‌ی بارز آن امحای کامل سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد.

اما گذشته از این تفاوت معنایی، تعهداتی که بر عهده دولت‌های عضو قرار می‌گیرد همانند تعهداتی خواهد بود که دولت‌های فاقد سلاح‌های هسته‌ای با پیوستن به آن پی‌تی‌می باید عهده‌دار آن گردند، همانند تعهد به عدم دستیابی و در اختیار گرفتن سلاح‌های هسته‌ای و نیز اجرای موافقتنامه پادمان که با آژانس

منعقد می‌کنند و پیوستن به پروتکل الحاقی. دولت‌هایی که عضو پیمان‌هایی هستند که هدف از آن‌ها ایجاد چنین مناطقی است، توسط مجمع عمومی سازمان ملل معین شده (UN Genral Assembly Resolution 3472 11 Decembre 1975) و جزئیات این تعهدات نیز در چارچوب دستورالعمل‌های کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۹۹ مشخص گردیده است. بدیهی است که دولت‌های خاورمیانه، که در منطقه‌ای بحرانی قرار گرفته‌اند، نمی‌توانند تنها به موافقتنامه‌های پادمانی که با آژانس منعقد گردیده بسنده کنند. ترتیبات امنیتی دیگری جهت اعتماد سازی، که برخی از آنها دارای بعد سیاسی خواهند بود، می‌باید به منظور تحقق شرایط لازم برای ایجاد یک منطقه عاری از سلاح کشتار جمعی برقرار گردند. صرف نظر از سلاح‌های هسته‌ای، رژیم اسرائیل، که همواره برای تأمین امنیت خود به زرادخانه‌های سلاح‌های هسته‌ای اتکا داشته است، ایجاد یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای را به مسأله گفتگوهای صلح با دولت‌های عربی، منوط کرده است (ممتاز و رزاقی ساکت، ۱۳۸۹: ۳۲۸).

علاوه بر این اسرائیل خواهان آن است که دولت‌های عرب، به منظور انجام اقداماتی بیشتر جهت اعتماد سازی، به طور جدی سطح سلاح‌های متعارف خود را کاهش دهند. دولت‌های عرب چنین پیشنهادی را نپذیرفته‌اند، چرا که بر خلاف دیدگاه اسرائیل این دولت‌ها بر این باورند که ایجاد یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای است که می‌تواند به استقرار صلح در خاورمیانه کمک نماید. با در نظر گرفتن درگیری‌های مسلحانه اخیر، باید اذعان نمود که برتری تسلیحات متعارف اسرائیل در مقایسه با کشور‌های همسایه به گونه‌ای است که اگر این رژیم از زرادخانه سلاح‌های هسته‌ای خود، صرف نظر کند، تأثیر چندانی در سیاست بازدارندگی این رژیم نخواهد گذاشت. در مقابل می‌توان امیدوار بود که

خلع سلاح هسته ای اسرائیل پایانی باشد برای غرور و ماجراجویی های این رژیم تا گردانندگان آن احترام بیشتری برای طرح هایی که به آن ها پیشنهاد گردیده قائل شوند. هر چند نمی توان انکار نمود که چنین احتمالی در حال حاضر چندان واقع گرایانه به نظر نمی رسد، تنها گزینه ای که به نظر می رسد قابلیت گرد هم آوردن بازیگران اصلی را (در آینده ای که می باید آرزو نمود چندان دور نباشد)، داراست، پیشنهاد ارائه شده توسط کمیسیون گسترش سلاح های کشتار جمعی است.

این پیشنهاد، ایجاد منطقه ای عاری از سلاح های کشتار جمعی را در چارچوب یک صلح فراگیر توصیه می نماید. در چنین شرایطی ضروری به نظر می رسد که تمامی دولت هایی که قلمرو تحت حاکمیت شان در منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی قرار خواهد گرفت، از جمله ایران، در این روند مشارکت نمایند. در زمانی که می باید منتظر ماند تا شرایط سیاسی مناسبی برای شروع چنین تحولی فراهم آید، مذاکرات غیر رسمی می تواند در سطح کارشناسان دولت ها به منظور پیشنهاد اقداماتی جهت اعتمادسازی آغاز گردد.

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی طی گزارش اخیر خود درباره اجرای بازرسی های آژانس در خاورمیانه، ضمن پیشنهاد تشکیل نشست در این مورد، از چنین راه حلی حمایت کرده است. (Zamaninia, 2010: 110).

۴- مواضع دولت‌ها در خصوص ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه

۴-۱ در سطح منطقه‌ای

۴-۱-۱ جمهوری اسلامی ایران

ایران کشوری است که از شناسایی رژیم صهونیستی امتناع کرده است و در حال مبارزه برای هژمونی منطقه‌ای است. ایران خود را به عنوان یک بازیگر جدی و با نفوذ نشان داده است، همانند زمانی که در رژیم گذشته به دنبال منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای بود. ایران معتقد است برنامه هسته‌ای اسرائیل بزرگ‌ترین تهدید برای منطقه است و بزرگترین عامل برای درگیری‌های مستمر است که به بی‌ثباتی در خاورمیانه کمک می‌کند. ایران معتقد است که غرب با استاندارد‌های دوگانه نسبت به اسرائیل در امور خاورمیانه دخالت می‌کند. در حالی که به طور فعال از دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای صلح‌آمیز جلوگیری می‌نماید.

ایران عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و به توسعه منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه علاقه مند است. جمهوری اسلامی ایران با قرارداد تاسیسات خود تحت پادمان‌های آژانس تصمیم قاطع خود را برای دست‌یابی به امحای کامل سلاح‌های هسته‌ای نشان داده است (Baumgart, and Muller, 2005:45-48). همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب

در سخن رانی تاریخی خود در شانزدهمین اجلاس سران عدم تعهد در تهران در تاریخ ۳۰ اوت ۲۰۱۲ اعلام کردند: «سلاح‌های هسته‌ای نه امنیت را تضمین می‌کند و نه قدرت می‌آورند، بلکه آن‌ها تهدیدی برای قدرت سیاسی و هم‌امنیت هستند. جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و سلاح‌های مشابه را یک گناه بزرگ و نابخشودنی می‌داند. ما ایده ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای را پیشنهاد کردیم و به آن پای بندیم.

تاکید می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران هرگز بدنبال سلاح هسته‌ای نبوده است و هرگز از حق مردم خود برای استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز چشم‌پوشی نخواهد کرد.» این فرمان، حمایت بی‌دریغ برای ایجاد منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه با هدف نهایی امن‌ساختن جهانی بدون سلاح هسته‌ای را برجسته می‌سازد. ایران به عنوان یکی از اعضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و به توسعه منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه بسیار علاقه‌مند است. در گذشته در سال ۱۹۷۴ ایران به دنبال یک منطقه‌عاری از سلاح‌های در خاورمیانه بود. ایران همراه با بسیاری از همسایگان عرب خود، اجرای منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای را به عنوان وسیله‌ای برای مقابله با انحصار هسته‌ای اسرائیل می‌داند و تلاش می‌کند که چارچوبی را برای صلح و ثبات در منطقه ایجاد کند. جمهوری اسلامی ایران معتقد است رژیم اسرائیل تنها مانع ایجاد منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است. صلح و ثبات نمی‌تواند در خاورمیانه بدست آید تا زمانی که زرادخانه‌های عظیم هسته‌ای این رژیم همچنان تهدیدی برای منطقه و ماورای آن باشد(تی‌نیوز، ۱۳/۲/۱۳۹۲، کد ۶۷۵۷۴).

همچنین در خصوص موضع ایران برای شرکت در کنفرانس خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در دسامبر سال ۲۰۱۲ باید گفت «پیوستن رژیم صهیونیستی به آن پی‌تی» شرط حضور ایران در کنفرانس خاورمیانه‌عاری از سلاح هسته‌ای است (پرتال خبری تحلیلی ممتاز نیوز، ۱۵/۷/۹۱). در خصوص لغو کنفرانس خاورمیانه‌عاری از سلاح هسته‌ای ۲۰۱۲ دیدگاه‌ها متفاوت بود اما بیشتر کارشناسان سیاست خارجی جمهوری اسلامی معتقدند که آمریکا با هدف حمایت از زرادخانه‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی کنفرانس بین‌المللی

خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای را لغو کرده است. (پایگاه خبری تحلیلی ممتاز نیوز، ۹۱/۸/۱۱).

۴-۱-۲ مصر

مصر طرفدار منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای خاورمیانه بوده که این ایده را پس از ایران در ۱۹۷۴ مطرح کرده است. مصر در حالی که امروزه، در اختیار داشتن هر گونه سلاح کشتار جمعی و یا سلاح هسته‌ای را انکار می‌کند، در گذشته نه تنها به سلاح‌های شیمیایی و فن‌آوری‌های موشکی تمایل داشته است بلکه برنامه‌هایی جهت دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای داشته است؛ در دهه ۱۹۵۰ تمایل مصر به توسعه‌ی توانایی در زمینه‌ی سلاح‌های هسته‌ای داشته است؛ تا حد زیادی می‌توانسته پاسخی مناسب به تهدیدات اسرائیل و در ارتباط با سلاح‌های هسته‌ای این کشور باشد (Harrison, 2006:12). مصر علاوه بر حمایت علنی از منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، عضو معاهده‌ی پلین دابا در آفریقا نیز هست. پیوستن به معاهده پلین دابا در قاهره با حضور حسنی مبارک که نقش رهبری در جنبه‌های تشریفاتی معاهده را ایفا کرد، موقعیت مرکزی مصر را در امضاء معاهده‌ی منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای آفریقایی مدلل می‌سازد. مصر پرجمعیت‌ترین کشور در جهان عرب است، و به عنوان یک مرکز فرهنگی مهم، یک قدرت نرم و یک دولت غنی در منطقه تلقی می‌شود و بنابراین به عنوان یک بازیگر بزرگ در توسعه‌ی منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه محسوب می‌گردد که نقش آن را نمی‌توان نادیده گرفت (Bahgat, 2009:47). به عنوان مثال مصر تصویب کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و سمی را با تصویب پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی توسط اسرائیل مرتبط دانسته و اعتقاد دارد که هر دو معاهده مراحل جدایی‌ناپذیر در جهت از بین بردن سلاح‌های کشتار

جمعی در خاورمیانه است. با این حال مصر، ضمن این که به مذاکرات کنترل تسلیحات پرداخته است تلاش برای حفظ تضمین های امنیتی منفی به تعادل مصر در مقابل اسرائیل بستگی دارد. با این حال مصر قادر به تأمین امنیت همه جانبه در ارتباط با توسعه ی برنامه ی سلاح های هسته ای کشورهای خارجی بوده است. مصر در نهایت پس از صلح با اسرائیل، معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای «ان پی تی» را در سال ۱۹۸۱ به تصویب رساند. برغم توانایی این کشور در ایجاد راکتورهای هسته ای نگرانی آن در باب مسائل ایمنی باقی ماند. این کشور در نهایت پس از صلح با اسرائیل، معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای «ان پی تی» را در سال ۱۹۸۱ به تصویب رساند. مصر در سال ۱۹۹۵ به کنفرانس بازنگری «ان پی تی» رفت. حسنی مبارک ادعا کرد که معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای را وتو می کند مگر این که اسرائیل معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای را امضاء کند. این امر نشانه ی توافق مصر با معاهده ی منع گسترش سلاح های هسته ای است. ژاپن و مصر موافقت کردند در مسائل هسته ای همکاری کنند. حسنی مبارک رئیس جمهور سابق مصر گفت: «با این که برای مصر حیاتی است اما تمایلی به فن آوری هسته ای ندارد و به طور کلی استراتژی مصر، مقابله با توانایی های هسته ای اسرائیل است». علاوه بر این پس از معاهده صلح میان اسرائیل و مصر، ایالات متحده آمریکا رابطه ای نزدیک با مبارک ایجاد کرده و کمک های خارجی قابل توجهی به مصر ارائه داده بود، رابطه ای که بر پایه ی منافع استراتژیک و حیاتی در مصر استوار بود. معاهده ی صلح روابط نزدیک با ایالات متحده ی آمریکا را امکان پذیر و ماندگار کرد و مصر اسرائیل را از نظر دیپلماتیک به رسمیت شناخت که این حرکتی رو به جلو برای ایجاد منطقه ی عاری از سلاح های هسته ای خواهد بود. البته این

موضوع به ظهور یک دولت جدید به شکل پایدار در مصر وابسته است که آتش بس را با اسرائیل حفظ کند. در سطح بین‌المللی اگر دولت جدید به روشی مشابه با رهبران گذشته نسبت به تعهدات خود به منع گسترش سلاح‌های پایبند بماند، مفهوم منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه در میان رهبری مصر جایگاه خود را حفظ خواهد کرد (Ibid: 54).

۴-۱-۳ اسرائیل

روشن است که اسرائیل یکی از موانع خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای است. اسرائیل مجهز به سلاح‌های هسته‌ای است. اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی در خاورمیانه است که جزء امضاءکنندگان معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیست. تنها قدرت هسته‌ای در منطقه است که نقش منحصر به فرد دارد. اسرائیل کاملاً به موقعیت، اهمیت و اثربخشی معاهدات ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای آگاه است اما اگر این کشور به دکترین هسته‌ای، و حفظ انحصار هسته‌ای خود در منطقه تداوم بخشد و آن را مجاز بداند بعید است که دیگر دولتها به چنین معاهده‌های بپیوندند.

علاوه بر این، اسرائیل متحد اصلی ایالات متحده آمریکا در منطقه است. این کشور در یک موقعیت منحصر به فرد قرار دارد و با کمک ایالات متحده به دنبال این است که نشان دهد که موافق روند صلح با اعراب است. بدیهی است که در این راه اولین گام پذیرش مذاکرات منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای محسوب می‌شود. دیدگاه دولت‌های منطقه به اسرائیل دیدگاهی بدبینانه است که در آن اکثریت کشورها اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند. اسرائیل در درگیری‌های مستمر با فلسطینیان قرار دارد. اسرائیل می‌خواهد منافع

استراتژیک خود را در بازدارندگی هسته ای پیدا کند بدون این که به معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای «ان پی تی» پایبند باشد، مگر این که مطمئن باشد دشمنان منطقه ای اش در برابر آن از سلاح های هسته ای استفاده نمی کنند. امنیت مسأله ای است که اسرائیل با آن مواجه است. اسرائیل اعلام کرده است از معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای و حفاظت در برابر تروریسم هسته ای حمایت می کند، اما خود را به ماده (۶) معاهده «ان پی تی» متعهد نمی داند و این کشور به عنوان یک عضو معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای نیست. اما حمایت هایش از منطقه ی عاری از سلاح هسته ای به صراحت نشانه ی حمایت از ماده (۶) و اهداف و برنامه های کاربرد آن در سراسر خاورمیانه است. برنامه های هسته ای اسرائیل متاثر از عوامل مختلفی است، تهدید به حمله از سوی اتحادیه عرب با حفظ توان متعارف که می تواند اسرائیل را درمانده سازد و اسرائیل باید حکومت خود را حفظ کند و کمترین تهدیدی از سوی جهان عرب، که هیچگاه برنامه هسته ای منظم و یکدستی را دنبال ننموده اند، وجود ندارد. با این حال این نگرانی های امنیتی می تواند به صورت بالقوه، در شرایط وحدت بیشتر میان کشورهای عضو اتحادیه عرب، در خاورمیانه وجود داشته باشد. اگر تهدید به حمله توسط یک نیروی متحد عربی متفی شود، به طور کلی ضرورت یک نیروی بازدارنده هسته ای نیز کاهش می یابد. از آنجا که سیاست گذاران اسرائیلی به طور کلی انحصار هسته ای خود را به عنوان یک نیروی ثبات در منطقه می دانند، مذاکرات منطقه ای خاورمیانه عاری از سلاح هسته ای باید استراتژی موازنه سلاح های کشتار جمعی به کا ر گرفته شده توسط کشورهای عربی و بی ثباتی منطقه ای پس از آن رازیر نظر داشته باشد (Cohen, 2010:89).

در هسته مرکزی اسرائیل، پیش شرط دولت برای حرکت رو به جلوی منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای قرار دارد. سیاست رسمی اسرائیل توسط دولت یهودی دیکته شده که نمی‌خواهد تا زمانیکه اتحادیه عرب حرکت رو به جلو برای صلح ندارد، مذاکرات خلع سلاح حرکتی رو به جلو داشته باشد. اسرائیل خواستار شناسایی کامل خود در بخشی از کشورهای عربی و ایران است. معاهدات صلح برای راضی کردن اسرائیل تا زمانی که این کشور نسبت به همسایگان اش بی‌اعتماد است کافی نیست. پیش‌نیاز منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای عادی‌سازی کامل روابط دیپلماتیک با همه‌ی کشورهای خاورمیانه و همچنین روابط تجاری و اقتصادی و موافقت نامه‌های آتش‌بس واقعی است. اسرائیل خود را متعهد به تن دادن به منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای می‌داند تا گزینه فزاینده تمایل به سلاح‌های هسته‌ای با گزینه‌های مذاکرات کنترل تسلیحات جایگزین شود و اعراب و ایرانیان را برای گفتگو و مذاکره برای صلح و ثبات و پس از آن خلع سلاح متقاعد کند. از نظر سیاسی بعید به نظر می‌رسد که دولت اسرائیل، که خود را به حفظ سلاح‌های هسته‌ای مجاز می‌داند و دولت‌های دیگر مجاز به این امر نیستند، در خصوص معاهده‌قادر به مذاکره باشد. این دولت‌ها معمولاً با انحصار هسته‌ای اسرائیل تهدید می‌شوند (Bahgat, 2006: 421-443).

۴-۲ در سطح کلان

۴-۲-۱ موضع آمریکا

دولت ایالات متحده به عنوان یک دولت دارنده سلاح هسته‌ای ثروتمند است که همواره در برابر تشکیل یک منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه ایستادگی کرده است. ایالات متحده بارها و بارها در مورد محدودیت سلاح‌های

هسته ای در سراسر جهان و همچنین خاورمیانه رأی داده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا تنها یکی از چهار کشوری بود که به پیش نویس قطعنامه ای برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای در آسیای مرکزی و نیز به طرح ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای در نیمکره جنوبی رأی داده است. این کشور همچنین به قطعنامه ی ایجاد منطقه ی عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه رأی داده است. اما در عین حال از امکاناتی را که یک کشور خاورمیانه ای «اسرائیل» را قادر می سازد که در زمان بحران از سلاح هسته ای استفاده کند از بین نبرده است. به عنوان مثال آمریکا از سلاح های هسته ای اسرائیل حمایت می کند تا در زمان اضطراری قادر به تقابل با ایران باشد و فقط راه حل صلح در خاورمیانه را تاکتیک تخریب متقابل می داند (Edith,2007:9).

دیگر شواهدی که می توان اشاره کرد که ایالات متحده آمریکا اتمی بودن

اسرائیل را بارها مورد تأیید قرار داده است عبارت اند از:

۱) حمله اسرائیل به راکتور هسته ای عراق در سال ۱۹۸۱: تابوی حمله به تأسیسات هسته ای توسط رژیم اسرائیل با حمله به راکتور ساخت فرانسه در عراق در سال ۱۹۸۱ شکسته شد. این امر باعث محکومیت بین المللی و قطعنامه کنفرانس عمومی آژانس با تعلیق حقوق و مزایای این رژیم برای دهه ها شد. این در حالی بود که آمریکا، در کنفرانس عمومی سال ۱۹۸۲، بیانیه شدیدالحنی مبنی بر تهدید به خروج از عضویت در آژانس در صورت تصویب قطعنامه محکومیت اسرائیل، صادر کرد.

۲) اظهارات سفیر ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی: «در سال ۱۹۹۰

به نمایندگی از دولت ایران، پیش نویس قطعنامه ای را به کنفرانس عمومی آژانس پیشنهاد کردم که با شماره ۵۳۳ تصویب شد. طبق این قطعنامه هر گونه حمله بر

علیه تأسیسات هسته‌ای در زمان ساخت یا فعالیت، تخلف از منشور سازمان ملل، اساسنامه آژانس و حقوق بین‌الملل خواهد بود و شورای امنیت باید فوراً در خصوص آن اقدام کند. رژیم اسرائیل ادعا کرده است که به تأسیسات الزور سوریه حمله کرده است چون سایتی بود برای ساخت رآکتور تحقیقاتی. سوی اینکه هر حمله علیه هر دولت عضوی نقض منشور ملل متحد است، بر اساس ادعای این رژیم و تایید آمریکا و اسرائیل، رژیم اسرائیل منشور ملل متحد و اساسنامه آژانس و حقوق بین‌الملل را طبق قطعنامه ۵۳۳ نقض کرده است و لذا باید با اقدام سریع شورای امنیت سازمان ملل مواجه شود. شرم آور نیست که برخی از کشورهای غربی با فقط ۱۷ رأی از مجموع آراء ۱۵۰ دولت عضو، مورد سوریه را به شورای امنیت ارجاع می‌دهند. در حالیکه باید پرونده تخلف اسرائیل به عنوان یک دولت غیر عضو ان پی تی که به سوریه حمله کرده است به شورا ارجاع شود».

۳) تعلیق کنفرانس ایجاد خاورمیانه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۱۲: این کنفرانس قرار بود با هدف تمرکز بر روی تصمیمات گذشته ان پی تی و اقدامات لازم برای آینده، برگزار شود. تصمیم یکجانبه آمریکا برای به تعویق انداختن کنفرانس ایجاد خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای و سایر تسلیحات کشتار جمعی که برای سال ۲۰۱۲ پیش‌بینی شده بود، تخطی از تصمیم اجماعی کنفرانس بازنگری ان پی تی بسال ۲۰۱۰ است. البته این تصمیم به منظور حفاظت از اسرائیل از محکومیت جامعه بین‌المللی انجام شد. مطمئناً این قبیل اقدامات، اعتبار ان پی تی و تصمیم اجماعی کنفرانس بازنگری را تضعیف می‌کند. آمریکا که همیشه و به هر قیمتی از اسرائیل حمایت کرده است تنفر و عدم اعتماد مردم خاورمیانه را برانگیخته و سبب انزوای جهانی خود شده است. در این کنفرانس هیات آمریکا از منطقه خاورمیانه‌ی عاری از سلاح کشتار جمعی

حمایت کرد و نشان داد که حرف و عمل دولت آمریکا یکی نیست. سیاست های این کشور ثابت می کند که هیچ اراده خاص سیاسی برای ایجاد چنین منطقه ای وجود ندارد. (پایگاه خبری تحلیلی ممتاز نیوز، ۹۱/۸/۱۱).

۵- چالش ها و موانع ایجاد معاهده منطقه عاری از سلاح های هسته ای در خاورمیانه

۵-۱ در پیش گرفتن سیاست ابهام عمدی و بازدارندگی هسته ای یک جانبه در خصوص سلاح های هسته ای از سوی رژیم صهیونیستی

بازدارندگی به عنوان عنصری از دیپلماسی یا راهبرد ملی، مفهوم نوظهوری نیست، بلکه از جمله روشهای قدیمی و عادی است که از آغاز تمدن بشری تا کنون افراد، گروه ها و دولت ها آن را اجرا کرده‌اند. البته از زمانی که سلاح های هسته‌ای گسترش یافته‌اند و قدرت های بزرگ بعد از جنگ جهانی دوم به این سلاح دست پیدا کردند، این واژه نه تنها استحکام بیشتری یافته، بلکه دارای اشاره ضمنی مشخصی نیز گردیده است. گرچه بحث بازدارندگی اساساً معرف روابط دو ابر قدرت پس از جنگ جهانی دوم بوده است، نباید فراموش کرد که بازدارندگی مختص آن دو نبوده و روابط میان سایر کشورها را نیز در بر می‌گیرد. در مقاله حاضر، نظریه بازدارندگی مبتنی بر روابط میان یک بازیگر و بازیگران متعدد در خاورمیانه است. در منازعه خاورمیانه یکی از طرفین منازعه سلاح هسته‌ای در اختیار دارد و طرف دیگر که بازیگران متعدد در این فرآیند به حساب می‌آیند، فاقد چنین سلاحی است. با توجه به اینکه رویکرد یک کشور به سلاح اتمی در هر نقطه‌ای از جهان یک تصمیم سیاسی بسیار مهم و حساس به حساب می‌آید و چنین رویکردی توازن قوا در منطقه و جهان را بر هم خواهد زد، دستیابی اسرائیل به سلاح اتمی نیز توازن قوا در خاورمیانه را بر هم زده است.

البته به دلیل دستیابی اسرائیل به سلاح هسته‌ای و انحصار آن توسط این رژیم، بازدارندگی هسته‌ای به طور یک جانبه و یک سویه از سوی این رژیم در برابر کشورهای عربی و اسلامی خاورمیانه اعمال شده است (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۱۹).

۵-۱- انگاهی به توانایی‌های هسته‌ای اسرائیل

پیش از بررسی و ارزیابی راهبرد بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل، لازم است نگاهی مختصر به توانایی‌ها و قابلیت‌های هسته‌ای اسرائیل بیفکنیم. تملک سلاح هسته‌ای توسط اسرائیل از معماهایی است که در چند دهه اخیر بدون جواب باقی مانده است. رهبران اسرائیل تا کنون در خصوص سلاح هسته‌ای این رژیم به طور رسمی اظهار نظری نکرده‌اند؛ آنچه که تأیید می‌کند اسرائیل یک قدرت هسته‌ای است، اطلاعات مبهم و اخبار ضد و نقیضی است که در برخی از مطبوعات اسرائیلی و یا غربی منتشر می‌شود. به رغم نبود مدارک و مستندات رسمی و قطعی مبنی بر وجود سلاح هسته‌ای در اسرائیل، شواهد و قرائن فراوانی وجود دارد که اثبات می‌کند این رژیم یک قدرت هسته‌ای است. بن گوریون، اولین نخست وزیر اسرائیل، قبل از جنگ جهانی دوم خطاب به دانشمندان یهودی آلمانی که به اراضی اشغالی فلسطین آمده بودند می‌گوید: «از شما می‌خواهم تا از هم اکنون در تحقیقات و پژوهش‌های هسته‌ای تلاش نمایید و کلیه اقداماتی را که برای تجهیز ساختن اسرائیل به سلاح اتمی لازم است، انجام دهید.» پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ نیز، رهبران این رژیم بر دستیابی به سلاح هسته‌ای تأکید داشته‌اند. در اینجا به برخی از اظهارات و شواهدی که مؤید تلاش گسترده این رژیم برای تملک سلاح هسته‌ای است، اشاره می‌شود.

افرام کاتسر، رییس جمهوری اسبق اسرائیل، در سال ۱۹۷۴ در اظهاراتی رسمی می‌گوید: «یکی از اهداف ما همواره توسعه و تقویت امکانات هسته‌ای مان

بوده است و اکنون نیز چنین امکاناتی را در اختیار داریم.» در ۴ سپتامبر ۱۹۷۴ سازمان سیا در گزارشی که به کنگره آمریکا ارایه داد، تأیید کرد که اسرائیل در حال حاضر سلاح هسته‌ای تولید کرده است. در ۱۲ آوریل سال ۱۹۷۶ مجله آمریکایی تایم فاش ساخت که اسرائیل به ذخیره ۱۳ بمب هسته‌ای اقدام کرده است که با هواپیماهای فانتوم و کفیر حمل می‌شوند. نیکسون در ۲ ژوئیه ۱۹۷۵ تأیید کرد که اسرائیل ۱۰ کلاهک هسته‌ای از نوع بمبی که هیروشیما و ناکازاکی را هدف گرفت، در اختیار دارد. در سال ۱۹۸۰ نیز دبیر کل وقت سازمان ملل متحد طی گزارشی به این مطلب اشاره کرده است. بر اساس این گزارش، در حال حاضر کشورهایی وجود دارند که به کشورهای هسته‌ای غیر آشکار معروفند. این گزارش تأیید می‌کند برخی از کشورها مسیری بسیار طولانی را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به طور مخفیانه پیموده‌اند، به این کشورها به عنوان کشورهای که منبع تهدیدهای هسته‌ای به شمار می‌روند، نگاه می‌شود و اسرائیل یکی از این کشورهاست.

اظهارات مردخای وانونو، یکی از کارشناسان راکتور هسته‌ای دیمونا در اسرائیل، تأیید می‌کند که این کشور یک قدرت هسته‌ای است. وانونو پس از فرار از اسرائیل اشاره کرده است. وی در گفتگو با روزنامه سانندی تایمز اظهار داشته است که «اسرائیل ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب هسته‌ای در اختیار دارد و پس از قدرت‌های هسته‌ای جهان ششمین قدرت هسته‌ای به حساب می‌آید.» تئودور تیلر، از کارشناسان مشهور هسته‌ای در جهان تصاویر و اطلاعات ارایه شده از سوی وانونو را تأیید کرده است. علاوه بر شواهد و دلایل فوق در تأیید وجود سلاح هسته‌ای در اسرائیل باید به این نکته اشاره کرد که تمامی امکانات فنی لازم برای تولید چنین سلاحی در داخل اسرائیل فراهم است؛ وجود دانشمندان هسته‌ای،

سرمایه فراوان، رآکتورهای هسته‌ای پیشرفته و وسایل پرتاب برای رساندن بمب به اهداف مورد نظر، همه از عواملی است که تأیید می‌کند اسرائیل یک قدرت هسته‌ای است و یا حداقل این توانایی را دارد تا هر گاه ضرورت اقتضا کند به تولید چنین سلاحی مبادرت ورزد. نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد، این که عدم امضای معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای از سوی اسرائیل و عدم نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای این کشور به این رژیم فرصت داده است تا به توسعه زرادخانه تسلیحات هسته‌ای خود ادامه دهد (لطفیان، ۱۳۷۶، ۸۱-۸۳).

۵-۱-۲ راهبرد بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل در خاورمیانه:

اسرائیل به منظور تحقق اهداف راهبردی خود در خاورمیانه، سیاست بازدارندگی را در دو سطح متعارف و غیر متعارف اعمال کرده است. دستیابی به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و ادوات نظامی، ورود به جنگ‌های گسترده یا محدود با کشورهای عربی به منظور تحقق اهداف راهبردی این رژیم در منطقه بوده است. با گذشت زمان اسرائیل به این نتیجه رسید که با اتکا به سلاح‌های متعارف قادر نخواهد بود تا اهداف منطقه‌ای خود را محقق سازد، بنابراین تصمیم گرفت به گزینه دیگری روی آورد. بنابراین دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌تواند به اعتبار و موقعیت این رژیم در میان یهودیان بیفزاید. همان‌طور که اشاره شد، این رژیم پس از شکست در جنگ ۱۹۷۳ به این نتیجه رسید که در جنگ با کشورهای عربی، سلاح متعارف کارایی لازم را نخواهد داشت؛ زیرا در جنگ ۱۹۷۳ آنچه که اسرائیل را از ورطه نابودی نجات داد، کمک‌های گسترده نظامی آمریکا به این رژیم بود. اسرائیل پس از این شکست تصمیم گرفت تا با روی آوردن به گزینه اتمی، هم‌اعراب را از

اندیشه تجاوز به اراضی اشغالی باز دارد و هم از اتکای خود به کمک های آمریکا بکاهد. بدین ترتیب تمامی ملاحظات فوق در تصمیم اسرائیل مبنی بر دستیابی به سلاح هسته‌ای مؤثر بوده است (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۵).

۵-۲ نبود همگرایی در بعد سیاسی

از مهمترین موانع محوری بر سر راه خاورمیانه عاری از سلاح های هسته‌ای، نبود همگرایی به ویژه در بعد سیاسی بین کشورهای منطقه ی خاورمیانه است. این مسئله خاورمیانه را به یکی از عجیب ترین و در عین حال پرمناقشه ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. به طوری که برخی صاحب نظران به این نتیجه رسیده اند که حتی نام «منطقه» را نمی توان بر این کره خاکی نهاد، چرا که منطقه به واحدی اطلاق می شود که به یک میزانی از اشتراکات و همگرایی ها رسیده باشد. موانع بسیاری پیش روی همگرایی در خاورمیانه است و چنانچه موانع بر طرف گردند، پدیده ی همگرایی نیز متحقق خواهد شد. این موانع عبارت اند از: (۱) ناهمگونی اعضا و عدم تعادل اقتصادی و درآمد سرانه ی آنها (۲) دخالت ابرقدرت ها؛ زیرا همگرایی در این منطقه ی حساس و مهم جهانی تسلط بر قریب ۶۰ درصد از نفت جهان و بازارهای مصرفی داخلی پیامدهای دیگری به همراه خواهد داشت. (۳) عدم توجه اعضا به زمینه های موجود و منافع مشترک در راستای همگرایی و بی توجهی به نتایج مثبت این مسأله. به هر حال به دلیل عدم یکپارچگی سیاسی، تفاوت ساختار سیاسی کشورهای منطقه، ناسیونالیسم، سطح نابرابر قدرت دولت های منطقه، تعدد قدرت های منطقه ای، ماهیت رقابت آمیز روابط کشورهای منطقه، بی ثباتی سیاسی در کشورهای منطقه و نفوذ قدرت های خارجی در منطقه، همگرایی سیاسی اندکی در منطقه وجود دارد. در وضعیت سیاسی فعلی و در شرایطی که بسیاری از آغاز یک رقابت شدید برای دست یابی به انرژی هسته

ای در منطقه سخن می‌گویند، ضرورت تلاش بیشتر برای ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه احساس می‌شود. اقدام به ایجاد این منطقه یک راهکار منطقه‌ای و محدود است. سنگ بنای ایجاد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تعهد و اراده‌ی سیاسی دول واقع در منطقه است، که در حال حاضر به هیچ وجه دیده نمی‌شود. (زمانی و هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۸).

۳-۵ تصویب قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه در طی کنفرانس تمدید و بازنگری ان پی تی ۱۹۹۵

تصویب قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه که طی کنفرانس تمدید و بازنگری ان پی تی در سال ۱۹۹۵، اتفاق افتاد پیشرفت مهمی در این زمینه به حساب می‌آید، ولی ظاهراً منجر به اعمال بیشترین فشار نه تنها بر این طرح، بلکه بر تمدید نا محدود ان پی تی شده است. به علاوه، آن دسته از اعضای اتحادیه کشورهای عرب که طی سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰، و در نتیجه‌ی کنفرانس تمدید و بازنگری ان پی تی در سال ۱۹۹۵ و به خصوص بعد از تصویب قطعنامه‌ی خاورمیانه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی آن به پیمان مذکور ملحق شدند، اکنون بر این باورند که در کنفرانس بازنگری و تمدید ان پی تی در سال ۱۹۹۵ گمراه شده‌اند چون طرف‌های معاهده نه به وعده‌های خود عمل کردند و نه اصلاً چنین نیتی داشتند. در سال ۱۹۹۵، کشورهای عضو ان پی تی توافق کردند که این معاهده را به صورت نا محدود طی بسته‌ای شامل سه تصمیم و یک قطعنامه تمدید کنند. سه تصمیم مذکور عبارت بودند از: تعهد به تقویت ان پی تی، جهان شمول کردن آن و تبیین اهداف، اصول و شیوه‌های اجرایی معاهده. قطعنامه مذکور نیز در مورد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بود و اکنون که بیش از ۱۸ سال از کنفرانس مذکور می‌

گذرد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله تمامی کشورهای عرب و ایران معتقدند که در این مورد هیچ اقدام واقعی صورت نگرفته است و هیچ گونه عزم یا طرح اجرایی برای تصمیم‌ها یا قطعنامه خاورمیانه‌ای کنفرانس سال ۱۹۹۵ از سوی کشورهایایی که امکان اجرا آنها را دارند به چشم نمی‌خورد.

۵-۴ حمایت صوری اسرائیل از ایده‌ی تشکیل منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه

جالب توجه است که قطعنامه‌های سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل درباره‌ی ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، سال‌هاست که با اکثریت آراء به تصویب می‌رسد. به عبارت دیگر، این قطع‌نامه شبیه بسیاری دیگر از قطع‌نامه‌های مجمع عمومی در مورد خاورمیانه نیست که اغلب اوقات تنها با آرای منفی یا ممتنع ایالات متحده‌ی آمریکا و اسرائیل به تصویب می‌رسد. هنگامی که ایران ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ به شکل قطعنامه‌ای به مجمع عمومی سازمان آراء داد، اسرائیل به آن رای ممتنع داد. از آنجایی که قطعنامه مزبور سال‌های متمادی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می‌رسید، اسرائیل از نظر تاکتیکی حمایت از آن، یا دست کم مخالفت نکردن با آن را مفید ارزیابی کرد و متعاقباً به آن رای مثبت داد. تصور عام در خاورمیانه این است که اسرائیل، ایالات متحده‌ی آمریکا و احتمالاً سایر بازی‌گران بین‌المللی و حتی کشورهای خیرخواه، قطعنامه‌های مربوط به خاورمیانه ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را به مثابه طعمه‌ای برای کسب مشروعیت و شناسایی اسرائیل کالایی که اسرائیل بدان نیاز مبرم دارد در خاورمیانه قرار داده‌اند. از نظر اسرائیلی‌ها و برخی از کشورها، با استفاده از جذابیت خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل در آینده‌ای

نا معلوم و ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه می‌توان مذكرات دو جانبه و چند جانبه بین اسرائیل و کشورهای خاورمیانه را بر اساس نوعی مکانیسم بین‌المللی، ترتیب داد. براساس این طرح، سودی که نصیب اسرائیل می‌شود سال‌ها همراهی، مذاکره و شراکت تدریجی با برخی از کشورهای خاورمیانه است که به شناسایی اسرائیل و دائمی شدن اشغال سرزمین‌هایی منجر می‌شود که اعراب در هر حالت دیگر آن را غیرقانونی و ظالمانه می‌دانند. احتمالاً سیاست‌گذاران کشورهای غربی این تحلیل را قابل دفاع نمی‌دانند ولی تحلیل غالب در خاورمیانه دور از این تعبیر نیست. برخی ممکن است بگویند که با توجه به جهت‌گیری سیاسی ایران زمان شاه، احتمالاً تفکر زمینه‌ساز اولین قطعنامه ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه که در سال ۱۹۷۴ از سوی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد نیز چیزی غیر از تلاش در جهت تطهیر و مشروعیت اسرائیل در خاورمیانه نبوده است. با این حال صرفه نظر از تفکر اولیه‌ی ایران، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل یا هر کشور دیگری، معقول این است که بگوییم اکنون بعد از گذشت سه دهه از ارائه‌ی اولین قطعنامه، ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه قوام یافته و دارای منطق و پشتوانه‌ی فکری خاص خود شده است (موسویان و زمانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۱۵).

۵-۵ تغییرات ژئوپلیتیک

بازتاب تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، طی سه سال اخیر بر سیاست‌ها و رویکردهای کشورهای مختلف چندان غیر منتظره نبود. برای مثال، مصر، یعنی با نفوذترین بازیگر در جهان عرب شاهد تغییرات عمده‌ای در سیاست‌های این کشور است. اولین نشانه‌های این تغییر در جریان کنفرانس

بازنگری ان.پی.تی در سال ۲۰۱۰ رخ داد و آن هنگامی بود که مصر نقش پیشرو را در میان کشورهای عربی ایفا کرد و به آمریکا فشار وارد آورد تا لحن موجود در قطعنامه درباره اسرائیل را بپذیرد اما موضع تندتر مصر هنگامی نمایان تر شد که در اعتراض به شکست تلاش های جامعه بین‌المللی برای اجرای قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، آن کشور مبادرت به خروج از اجلاس آوریل ۲۰۱۳ کمیته مقدماتی برای کنفرانس بازنگری ان.پی.تی در ۲۰۱۵ نمود. از سوی دیگر، شاهد آن می‌باشیم که در ترکیه نیز تحولاتی روی داده و اینک آن کشور در صدد ایفای نقش مؤثرتری در خاورمیانه جدید می‌باشد بسیاری بر این باورند که ترکیه می‌کوشد تا به عنوان نمونه‌ای برای کشورهای عربی که اینک دستخوش تغییرات انقلابی اند، مطرح شود. گرایش مزبور هنگامی آشکارتر شد که ترکیه بر سر موضوع محاصره غزه در کنار فلسطینی‌ها ایستاد. با این حال، به نظر می‌رسد که هنوز تردید هائی در ترکیه در باره این نقش جدید و از جمله مسائلی مانند استقرار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در خاک این کشور وجود دارد. وجود سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در خاک ترکیه می‌تواند تاثیری منفی بر برنامه‌های انرژی هسته‌ای آن کشور داشته باشد اما شاید مهمتر از همه آن باشد که این امر مانعی مهم بر سر راه ترکیه ایجاد می‌کند تا آن کشور بتواند در طرح خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان یک شریک فعال حضور یابد (Edith, 2007: 15).

جمع بندی و نتیجه گیری

اغلب تحلیل گران قبول دارند که ایجاد منطقه عاری از سلاح های هسته ای در خاورمیانه کاری بس دشوار است و تا زمانی که رژیم صهونیستی به معاهده منع

گسترش سلاح‌های هسته‌ای پایبند نباشد، ایجاد خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای میسر نمی‌شود. این پژوهش، ضمن این‌که به چالش‌ها و موانع ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه پرداخت، سیر روند تاریخی، موضع بازیگران در سطح منطقه‌ای و کلان‌را مورد بررسی قرار داد. اسرائیل در حال حاضر سیاست ابهام‌را در خصوص سلاح‌های هسته‌ای در پیش گرفته یعنی نه وجود سلاح‌های هسته‌ای را تأیید و نه تکذیب می‌کند. به عبارت دیگر در حال حاضر ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه به دلیل بازدارندگی هسته‌ای یک‌جانبه و در پیش گرفتن سیاست ابهام‌عمدی در خصوص سلاح‌های هسته‌ای، از سوی رژیم صهیونیستی، امکان‌پذیر نیست، چرا که در حال حاضر این کشور از مقادیر زیادی مواد هسته‌ای برخوردار است. علاوه بر این نبود همگرایی در بعد سیاسی، تصویب قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه در طی کنفرانس تمدید و بازنگری آن پی‌تی‌۴ سال ۱۹۹۵، صوری بودن حمایت اسرائیل از ایده‌ی تشکیل منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، تغییرات ژئوپلیتیک، دیگر چالش‌ها و موانع ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای محسوب می‌شوند. ایجاد منطقه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای بحثی مهم در محافل سیاسی و دانشگاهی است. درحالی‌که اسرائیل بزرگترین مانع خاورمیانه‌محسوب می‌شود، برنامه‌هسته‌ای ایران مورد حمله قرار می‌گیرد و آن را مانع تحقق خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های هسته‌ای می‌دانند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که:

۱) اقداماتی کلی در راستای احترام به ایجاد چنین منطقه‌ای و عملی ساختن آن صورت گیرد.

۲) صلحی پایدار برقرار شود تا پیشرفت در زمینه خاورمیانه عاری از سلاح های هسته ای حاصل شود.

۳) در زمینه اقدامات اعتمادساز مربوط به مسائل امنیتی خاورمیانه باید از بلند پروازی پرهیز شود و از خلاقیت بهره گرفته شود. این اقدام می تواند ابتدا از منطقه خلیج فارس شروع شود و سپس به سایر نقاط خاورمیانه گسترش یابد.

۴) سازمان های منطقه ای جدیدی ایجاد شوند که از حق همه کشورهایی که به دنبال انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز هستند حمایت کنند و همکاری در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را ترویج دهند.

۵) تلاش های دو جانبه دولت هایی که به دنبال ایجاد فضای مساعد برای منطقه عاری از سلاح هسته ای هستند، تشویق شود.

به امید روزی که خاورمیانه ای عاری از سلاح هسته ای ایجاد شود. تحقق این منظور در هیچ جای جهان به اندازه خاورمیانه به نفع صلح و امنیت پایدار نیست.

منابع

بیگی مهدی، (۱۳۸۹)، تهدیدات اسرائیل علیه خاورمیانه، نشریه علوم اجتماعی «پژوهش های منطقه ای»، ش ۲.

(۹۱/۷/۱۵) پایگاه خبری تحلیلی ممتاز نیوز، سخن رانی علی اصغر سلطانیه در آژانس بین المللی انرژی اتمی.

(۹۱/۸/۱۱) پورتال خبری ممتاز نیوز، کنفرانس خاورمیانه عاری از سلاح های هسته ای لغو شد.

ترحمی مهدی، (۱۳۸۲)، «مروری بر سلاح های اتمی اسرائیل»، فصلنامه ره آورد نظامی، سال چهارم، ش ۱۱.

(۱۳۹۲/۲/۱۳) تی نیوز، اسرائیل بزرگترین مانع خاورمیانه‌ عاری از سلاح هسته‌ای. زمانی نیا امیرحسین و هاشمی فاطمه، (۱۳۹۱)، جهانی عاری از سلاح هسته‌ای تأملات جدید در منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه، فصلنامه راهبرد، ش ۶۱.

طلایی فرهاد و فرنگتاج منصوری، (۱۳۸۵)، «نگرشی جدید به وضعیت حقوقی قطب جنوب: قطب جنوب به عنوان میراث مشترک بشریت»، نشریه علوم انسانی دانشگاه شیراز، ش ۴۷.

عسکرخانی ابومحمد، (۱۳۸۲)، «سیری در نظریات خلع سلاح و بازدارندگی و کنترل تسلیحات هسته‌ای»، نشریه علوم سیاسی و سیاست دفاعی، ش ۲۵. لطفیان سعیده، (۱۳۷۶)، «یک بام و دو هوا در زمینه گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای در خاورمیانه زرادخانه‌های هسته‌ای اسرائیل»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱۱۶ و ۱۱۵.

ممتازجمشید، (۱۳۸۹)، «معضلات اجرای رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه»، نشریه علوم سیاسی سیاست خارجی، سال بیست و چهارم، ش ۲.

موسویان حسین و زمانی نیا امیرحسین، (۱۳۸۷)، خاورمیانه به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی چشم اندازی جدید، ترجمه محمد سوری، سال شانزدهم، ش ۴۸.

Bahgat, (2009) Gawdat. "Egypt and Iran: The 30-Year Estrangement." *Middle East Policy* 16: 47-54.

Bahgat, Gawdat. (2006) "Nuclear Proliferation: The Case of Saudi Arabia." *Middle East Journal*, Vol 60, 421-443.

Biad Abdolvahab, "Larmement Nuclear Annulre Israel en Untabau Fronecian De Relation International", Vol 205.

Cohen, Avner and Marvin Miller. (2010) "Bringing Israel's Bomb out of the Basement." *Foreign Affairs* 89. Accessed April 3, 2011.

- <http://web.ebscohost.com.proxyau.wrlc.org/ehost/detail?vid=3&hid=21&sid=e6ae>
- (1990) Disarmament CommissionD.
- Edith Bursac, (2011) "Israel's Nuclear Policies and a NWFZ in the Middle East: How Feasible Is It?", http://cns.miis.edu/pubs/reports/mideast_nwfz.htm.
- Hamel-Green Michael, (1998) "The South Pacific The Treaty of Rarotonga." In Nuclear Weapons-Free Zones, ed. Ramesh Thakur.(Great Britain: Macmillan Press LTD), 59.
- Harrison,Selig S.(2006)"The Forgotten Bargain:Nonproliferation and Nuclear Disarmament." World Policy Journal, 1-12.
- James Martin Center for Nonproliferation Studies, (2013). "Central Asian nuclear-weapon-freezone Treatyof Semipalatinsk",http://www.nti.org/e_research/official_docs/inventory/pdfs/seanfz.pdf.
- (1996)James Martin Center for Non Proliferation Studies ,African Nuclear Weapon Free Zone of Pelindaba Treaty http://www.nti.org/e_research/official_docs/inventory/pdfs/anwfz.pdf ,(2013). NPT/CONF.1995/32 Decisition 1, 11 Mail 1995.
- Redick John R, (1999)"Precedents and Legacies: Tlatelolco's Contribution to the Next Century", Centre fo r International Studies, University of Virginia "<http://www.opanal.org/Articles/Avin.30Sanders.Html>
- Subede Sorya , (1999) Problems and Prospect for the Treaty on the Creation of a NuclearWeapon Free Zone in Southeast Asia", *Intenational Jornal of Peace Studies*, Vol 4 , P.3, <http://www.gmu.edu/programs/icar/igps/index.htm> (1/7/2008).
- (1975)UN Genral Assembly Resolution 3472.
- UN.General Assembly Resolution 9693 1974 720,note 31.
- (2010)Zmaninia Amir Hossein, "A World Free of Nuclear Weapons : Toward a Nuclear Weapons Free Zone in the Middle East " , *Iranian Review of Forein Affairs*, Vol.1, No(1), P.110.